

آثار نکاح با نگاه ویژه بر حقوق زوجه از دیدگاه اسلام و قوانین فقهی _ حقوقی

محمد علی داوریار^۱، مریم عباسی اول^۲، فرزانه فریدانی^۳

^۱ استادیار گروه حقوق، فقه و حقوق اسلامی، دانشگاه پیام نور مرکز مشهد، خراسان رضوی، ایران.

^۲ دانشجوی کارشناسی ارشد رشته فقه و مبانی حقوق، دانشگاه پیام نور مرکز مشهد، خراسان رضوی، ایران.

^۳ دانشجوی دکتری رشته فقه و مبانی حقوق، دانشگاه آزاد اسلامی تربت حیدریه، خراسان رضوی، ایران.

نام و نشانی ایمیل نویسنده مسئول:

محمد علی داوریار

davaryar@icloud.com

چکیده

حقوق و تکالیف متقابل زوج و زوجه از نظر حقوق اسلامی که از ریشه حق گرفته شده معانی مختلف دارد که در اصطلاح همین که نکاح به درستی واقع شد، حقوق و تکالیفی برای زن و شوهر ایجاد می کند که حقوقدانان از آن به آثار نکاح تعبیر می کنند. با توجه به اینکه آمار طلاق در سطح کشور و جهان بالا رفته است و یا بعضی از زنان و مردان از زندگی زناشویی احساس رضایت نمی کنند دلیل بر بی اطلاعی زن و مرد از حقوق و وظایفی است که در مقابل یکدیگر دارند. هدف از این مقاله، معرفی آثار نکاح متقابل از دیدگاه اسلام و قوانین دیگری که در این رابطه تدوین شده، می باشد و تکالیف زوجین در قانون مدنی و روایات اهل بیت (علیهم السلام) به طور مبسوط مورد بررسی قرار گرفته است. روش تحقیق به اعتبار نوع: کاربردی، به اعتبار موضوع: عقلی و دینی و به اعتبار روش جمع آوری اطلاعات: کتابخانه ای است. در نتیجه، حقوق زن از نوع حقوق قراردادی نیست بلکه از نوع حقوق فطری و طبیعی نشأت گرفته و از طبیعت و ذات اوست. بنابراین زن با آمدن اسلام از حقوق اجتماعی خصوصی و عمومی برخوردار شده است.

واژگان کلیدی: حقوق زوجه، آثار نکاح، اسلام _ قوانین فقهی، حقوقی.

مقدمه

حقوق از جمله مقوله هایی است که در همه اعصار مورد توجه انسان بوده است. دانشمندان و فیلسوفان درباره آن پیوسته داد سخن سر داده اند. در ادیان آسمانی هم، حقوق بسیاری برای انسان ها بیان شده است و در دین مبین اسلام به حقوق انسان ها مخصوصاً زن توجه خاصی شده است. در جوامع بسیار متمدن چون ایران و روم، زن از بسیاری از حقوق مادی و معنوی از جمله حق معامله، حق حضانت، حق ارث و ... محروم بود. و در عربستان، دختران را به جرم دختر بودن زنده به گور می کردند. که در سوره تکویر آیه ۸ و ۹ به این قضیه اشاره شده است: «وَإِذَا الْمَوْءَدَةُ سُئِلَتْ بِأَيِّ ذَنْبٍ قُتِلَتْ» و در آن هنگام که از دختران زنده به گور شده سوال شود: به کدامین گناه کشته شدند؟! در عصری که اسلام ظهور کرد، زنان از جایگاه مناسبی برخوردار نبودند، حتی از ابتدایی ترین حقوق انسانی محروم بودند. با این حال، جامعه عرب جاهلی در میان جوامع آن دوره، وضعیتی خاصی داشت، چنان که آن را معروف ترین نقطه عالم از نظر بدرفتاری با زنان معرفی کرده اند. بر اساس نظر برخی نویسندگان، زنان پیش از اسلام حکم متاع و کالا را داشته اند و جزء دارایی پدر یا شوهر محسوب می شدند. همچنین نظرهای تحقیرآمیزی نسبت به زنان داشتند. از جمله اینکه زن از مایه ای پست تر از مرد آفریده شده است و مقدمه وجود مرد است و برای او آفریده شده است. اما با ظهور اسلام و برقراری عدالت الهی زنان نیز مانند مردان دارای حقوق مادی و معنوی شدند. اسلام دین مساوات است و تنها برتری افراد را بر دیگری معیار ایمان و تقوای آنان می داند. اینکه زن در اسلام چه جایگاهی دارد، مبتنی بر این است که انسان در قرآن چه جایگاهی دارد، چون قرآن کریم فقط برای هدایت و کمال مرد نیامده است، بلکه برای هدایت همه انسان ها، اعم از زن و مرد، عرب و عجم آمده است و خداوند می فرماید: «...هُدًى لِّلنَّاسِ وَبَيِّنَاتٍ مِّنَ الْهُدَىٰ وَالْفُرْقَانِ...» (البقره/ ۱۸۵). در حرمت و کرامت انسان هیچ تفاوتی میان زن و مرد نیست. جان، مال، آبرو، عقیده و رأی آدمی همه حرمت دارند و باید همواره این حریم پاس داشته شود و در فرهنگ اسلامی، زن و مرد به عنوان مخلوقات خدا و خلیفه او بر روی زمین مورد عنایت ویژه اند.

۱.۱. نظام حقوقی اسلام:

مبتنی بر آیین اسلام است. دین اسلام به عنوان یک مکتب تام و جامع، ترکیبی آمیخته از اعتقادات و جهان بینی و دستور العمل های اجتماعی و رهنمودهای اخلاقی است. و علم فقه، عهده دار تبیین دستورالعمل های الزام آور اجتماعی اسلام یعنی نظام حقوقی اسلام است. البته فقه مساوی با نظام حقوقی اسلام نیست بلکه از چند جهت اعم از نظام حقوقی اسلام است.

۱.۱.۱. کرامت زن از منظر دینی

بعد از ظهور اسلام و نزول آیات قرآنی، بحث کرامت و حقوق زن در میان مسلمانان مطرح گردید و سؤالاتی که در برخی از موارد مانند مسأله ارث، از ائمه (ع) شده است؛ از جمله: شبهه افکنی ابن ابی العوجا یکی از دهریون زمان امام صادق (ع) در مسأله حق الارث زن که می گفت: چرا زن بیچاره که از مرد ناتوان تر است باید یک سهم ببرد و مرد که توانا تر است دو سهم ببرد؟ امام صادق (ع) در جواب فرمود: چون اسلام سربازی را از عهده زن برداشته و به علاوه مهر و نفقه را به نفع او بر مرد لازم شمرده است و در بعضی جنایات های اشتباهی که خویشاوندان جانی باید دیه بپردازند زن از پرداخت دیه و شرکت با دیگران معاف است.

۱.۱.۲. کرامت زن در آینه قرآن

آفتاب اسلام در زمانی طلوع کرد که زنان با از دست دادن حیثیت انسانیشان، در آتش ستم بی عدالتی و تبعیض می سوختند. اسلام با تبعیضات رایج در بین زن و مرد به مبارزه برخاست و زن را به عنوان یک عنصر اصلی انسانی، برخوردار از هر نوع حقوق انسانی و اجتماعی معرفی کرد. قرآن کریم برترین کرامت را برای زن بیان و عالی ترین دفاع را از حقوق آنان نموده است، به گونه ای که موافق با مصالح اجتماعی و مطابق با وظیفه طبیعی آنان می باشد.

۲- وظایف زوجین نسبت به یکدیگر از منظر قرآن

قرآن کریم طی آیات بسیاری به موارد ازدواج و مسائل خانواده و اینکه زن و شوهر به مانند لباسی هستند که یکدیگر را می پوشانند و مایه آرامش و انس یکدیگر می شوند اشاره داشته است. در مورد وظایف زوجین نسبت به یکدیگر هم در سوره بقره، آیه ۲۲۸ به طور کلی به این

موضوع که هر یک از زوجین نسبت به دیگری وظایفی دارند اشاره داشته است. چنانچه در انتهای این آیه می فرماید: «و لهنّ مثل الذی علیهنّ بالمعروف و للرجال علیهنّ درجه و الله عزیز حکیم».

بنابراین همان طور که برای مردان حقوقی بر عهده زنان گذارده شده، همچنین زنان حقوقی بر مردان دارند که آنها موظف هستند به خوبی رعایت نمایند و مردان را بر آنها برتری هست و خداوند توانا و حکیم است (۱). بعضی از تکالیف غیر مالی، بر عهده هر دوی زوجین قرار داده شده است؛ و برخی از آنها مختص به زوج و تعدادی دیگر مختص به زوجه می باشند. تکالیف غیر مالی که قانونگذار بر عهده زوجین قرار داده است عبارتند از:

۲.۱. سکونت مشترک

هدف اصلی نکاح تشکیل خانواده و در کنار یکدیگر بودن است که بخش عمده ای از آرامش و ارتباط عاطفی از این جا سرچشمه می گیرد و رسیدن به این هدف با جدایی آنان امکان پذیر نیست. لذا بر مرد واجب است که برای همسر خود خانه ای مناسب تدارک ببیند و بر زن واجب است که در منزلی که از سوی همسر تهیه شده سکونت پذیرد. (۲). قانون مدنی در باب وظیفه شوهر حکم صریحی ندارد، ولی عرف مسلم آن را از لوازم حسن معاشرت با زن می داند. لذا در اینصورت بر زن واجب است در منزلی که شوهر فراهم ساخته سکونت نماید، اگرچه در محل تولد و نشو و نما خود نباشد و اگر امتناع کند، مستحق نفقه نخواهد بود. اما در صورتی که زوجه بواسطه شرط ضمن عقد حق تعیین و انتخاب مسکن را از آن خود کند، در اینصورت چون زوج این حق را به زوجه واگذار نموده و این شرط را پذیرفته است، بایستی مطابق میل و درخواست زن منزل تهیه نماید. گفتنی است بسیاری از فقها معتقدند در صورت عدم شرط نیز، زن می تواند مطالبه منزل شخصی نماید؛ بدین معنا که اگر زوج منزلی دارد که در آن اشخاص دیگری زندگی می کنند، زوجه ملزم به پذیرش سکونت مشترک در چنین منزلی نیست. مرحوم محقق حلی (ره) در شرایع بیان می کند: «و لها المطالبه بالتفرد بالمسکن عن مشارکه غیرالزوج»، و مرحوم صاحب جواهر در شرح این بیان می فرماید: (۳) «... و از برای بانوست که مطالبه منزلی بنماید که در آن مشارکت با غیر زوج نباشد، حال چه این مشارکت موجب ضرر باشد یا نباشد. لیکن در اینصورت قدرت مرد هم بایستی مورد توجه قرار گیرد، زیرا تدارک مسکن مناسب از مصادیق معاشرت به معروف و نگهداری همسر به نحو شایسته است که خداوند بدان امر فرموده: «آنان را مورد ضرر قرار ندهید تا در فشار و ضیق نیفتند». از این آیه استفاده می شود که چنین حقی برای زوجه وجود دارد. در این صورت اگر مرد منزل مناسب تدارک دید و زن از سکونت در آن امتناع ورزید، فقها نظر داده اند: «إنما یتحقق نشوز المرأة بالمنع من المسکنه فیما یلق بها»؛ (۴) همانا اگر زن زیر بار منزلی که شایسته حال او بوده و مرد آن را تدارک دیده، نرفت نشوز زن و تخلف از وظیفه زناشویی درباره او صادق است. این تکالیف از لوازم اتحاد معنوی زن و شوهر و تشکیل خانواده است و به همین جهت، از قواعد مربوط به نظم عمومی است. در نتیجه، هرگاه زن و شوهر درباره جدایی از یکدیگر و داشتن مسکن جداگانه توافق کرده باشند، این قرارداد هیچ الزامی برای آنان ایجاد نمی کند.

۲.۲. حسن معاشرت

برای تأمین دوام خانواده، سکونت مشترک زن و شوهر کافی نیست. آنان ضمن نکاح داوطلب شده اند که با هم به سربرند، و در غم و شادی هم شریک باشند. همسری زن و مرد بدین معنی است که سلویشان با هم با خوشرویی و مسالمت و مهربانی آمیخته باشد. این دو باید از اعمالی که سبب ایجاد نفرت و کینه یا غم و اندوه در دیگری است بپرهیزند. همه این تکالیف را ماده (۱۱۰۳) ق.م. بدینگونه بیان می کند که: «زن و شوهر مکلف به حسن معاشرت با یکدیگرند». تکلیف به حسن معاشرت وفق این ماده بر عهده زن و شوهر، هردو قرار گرفته ولی دقیقاً مصادیق آن بیان نشده و معلوم نیست مثلاً چه کاری سوء معاشرت محسوب می گردد، لذا برای تعیین مصادیق آن باید به عرف مراجعه کرد. (۵). لوازم حسن معاشرت را به تفصیل نمی توان معین کرد، زیرا عادات و رسوم اجتماعی و درجه تمدن و اخلاق مذهبی در میان هر قوم مفهوم خاصی از «حسن معاشرت» به وجود می آورد؛ ولی به اختصار می توان گفت، تمام اموری که از نظر اجتماعی توهین محسوب می شود (مانند ناسزاگویی، ایراد ضرب و شتم، مشاجره، تحقیر) یا اموری که با عشق به کانون خانواده و اقتضای محبت بین دو همسر منافات دارد (مانند ترک خانواده، بی اعتنائی به همسر و خواسته های او، اعتیادهای مضر) از مصادیق های «سوء معاشرت» در خانواده است.

۲.۲.۱. حسن معاشرت از منظر قرآن

این تکلیف در قرآن کریم به صراحت بیان شده است؛ خداوند می فرماید: (۶) «و عاشروهنّ بالمعروف» یعنی، با همسرانتان با اخلاق نیکو معاشرت نمایید. البته حسن معاشرت نسبت به افراد مختلف است، بین دوستان و افراد جامعه، حسن تفاهم و حسن خلق کافی

است، ولی در زندگی زناشویی این مقدار کافی نخواهد بود؛ زیرا بقای رابطه زناشویی ایجاب رعایت امور دیگری را نیز می نماید که از آن جمله است: داشتن روابط جنسی آنگونه که موقعیت و محیط و وضعیت طبیعی زوجین ایجاب می نماید و زن نمی تواند از آن شانه خالی کند، چنانکه شوهر هم نمی تواند طبق شرایط مقدره در شرع از آن خودداری نماید.

۲.۲.۲. حسن معاشرت از منظر سنت

در بسیاری از روایات معصومین نیز به موضوع حسن معاشرت زوجین با یکدیگر پرداخته شده است. چنانچه رسول خدا (ص) می فرمایند: «کاملترین مردم از جهت ایمان خوش اخلاق ترین آنها می باشد. بهترین شما کسی است که نسبت به خانواده اش احسان کند» و پیامبر (ص) می فرمایند: «عیشی بهتر از خوش اخلاقی نیست» و در حدیثی دیگر می فرمایند: «اخلاق خوب، نصف دین است». (۷)

۲.۲.۳. حسن معاشرت از منظر قانون مدنی

قانون مدنی هم از باب اهمیت موضوع، در ماده (۱۱۰۳) به این مهم می پردازد و بیان می کند: «زن و شوهر مکلف به حسن معاشرت با یکدیگرند». حسن معاشرت یا خوشرفتاری زن و شوهر مربوط به عرف و عادت و رسوم اجتماع است و مقتضای آن برحسب زمان و مکان تغییر خواهد کرد و بطور کلی می توان گفت: حسن معاشرت ایجاب می کند که زن و شوهر با مسالمت و صمیمیت با هم زندگی کنند و از مجادله و ناسزاگوئی و اهانت به یکدیگر بپرهیزند. زندگی مشترک و به تعبیر دیگر زندگی زیر یک سقف را می توان از لوازم حسن معاشرت دانست و بنابراین مرد مکلف است زنش را در خانه خود بپذیرد و زن اصولاً مکلف است در خانه مرد زندگی نماید. داشتن روابط جنسی بطور متعارف از لوازم حسن معاشرت است و هرگاه زن یا شوهر از آن امتناع کند برخلاف وظیفه حسن معاشرت رفتار کرده است. (۸). هر چند تکلیف مربوط به حسن معاشرت جنبه اخلاقی دارد، لیکن از نظر حقوقی نیز بی ضمانت اجرا نمانده است؛ زیرا سوء معاشرت زن استحقاق او را در گرفتن نفقه از بین می برد (ماده ۱۱۰۸ ق.م)، و هرگاه سوء معاشرت از جانب شوهر باشد و چنان باشد که زندگی زناشویی را برای زن غیر قابل تحمل و ناممکن سازد، در اینصورت به دستور (ماده ۱۱۳۰ ق.م) زن می تواند از دادگاه درخواست کند که شوهر او را اجبار به طلاق بنماید.

۳- وظایف زوج در قبال زوجه از منظر قرآن و روایات

۳.۱. ریاست خانواده

در اسلام برای هر یک از زن و شوهر حقوقی بر دیگری است که هیچ کدام مجاز به تجاوز به حق دیگری نیست و یا نمی تواند از انجام وظایف خودداری نموده و یا از حدود اختیارات خویش تجاوز نماید. چنانچه قبلاً نیز اشاره شد، خداوند متعال در سوره بقره بر این مهم که هر یک از زوجین به یکدیگر حقی دارند، اشاره نموده و می فرماید: «و لهنّ مثل الذی علیهنّ بالمعروف...» (۹) خداوند متعال در این آیه به طور عام بیان می نماید که هر یک از زوجین بر یکدیگر حقی دارند.

اما در سوره نساء، به جایگاه زوج در کانون خانواده و برخی از وظایف زوج در قبال زوجه اشاره می نماید، و در این مورد می فرماید: «الرجال قوامون على النساء بما فضل الله بعضهم على بعض و بما أنفقوا من أموالهم». (۱۰) «مردان را بر زنان تسلط و حق نگهبانی است، به واسطه آن که خداوند بعضی را بر بعضی برتری داده است و به خاطر اینکه مردان از مال خود باید به زن نفقه دهند». در این آیه، به جایگاه مهم و ویژه مرد در کانون خانواده اشاره شده است و آن موضوع تسلط و نگهبانی است که از آن تعبیر به ریاست خانواده می نمایند. چنانچه در تفسیر آیه آمده است: (قوام)؛ کسی است که تدبیر و اصلاح دیگری را برعهده دارد. شرط سرپرستی و مدیریت، لیاقت تأمین و اداره زندگی است و به این جهت، مردان نه تنها در امور خانواده، بلکه در امور اجتماعی، قضاوت و جنگ نیز بر زنان مقدمند. البته مقصود از عبارت ابتدای آیه، استبداد و اجحاف و تعدی نیست، بلکه منظور رهبری واحد منظم با توجه به مسئولیت ها و مشورت های لازم است. جمله بعد که دو بخش است، درقسمت اول می فرماید: «این سرپرستی به خاطر برتری هایی است که (از نظر اجتماع)، خداوند برای بعضی نسبت به بعضی دیگر قرار داده است».

و در قسمت دوم می فرماید: «و نیز این سرپرستی به خاطر تعهداتی است که مردان در مورد پرداخت های مالی در برابر زنان و خانواده به عهده دارند». (۱۱) پس آنچه از قسمت اول آیه به دست می آید و یکی از وظایف مهم زوج می باشد، «ریاست خانواده» است که همان سرپرستی، تدبیر و اصلاح و مدیریت خانواده می باشد.

۳.۲. پرداخت مخارج زن

همانطور که در مطالب فوق اشاره شد، یکی از وظایف رئیس خانواده تأمین مایحتاج زوجه و فرزندان می باشد و باید نفقه و خرجی را بپردازد، در همین رابطه، قانون مدنی در (ماده ۱۱۰۶ ق.م) بیان می کند: «در عقد دائم، نفقه زن به عهده شوهر است». از دید اسلام، تأمین هزینه خانواده به عهده مرد است و تأمین هزینه زن توسط شوهر، مخصوص مواردی نیست که زن از تأمین مخارج خود عاجز باشد، بلکه در صورت ثروتمند بودن زن نیز حکم همین است؛ وجوب نفقه از مسلمات فقه و حقوق است، و آیات زیادی دلیل بر این حکم هستند. (۱۲). روایاتی نیز در زمینه وظایف زوج وجود دارد که به برخی از آنها اشاره می نمائیم. امیرالمومنین (ع) و حضرت زهرا (س)، رسول خدا (ص) را برای خدمت کردن (در منزل)، قاضی قرار دادند، لذا، پیامبر (ص) حکم فرمودند که: «خدمت در درون منزل را فاطمه (س) و در بیرون از منزل، علی (ع) کار کند» (۱۳). زنی از امام صادق (ع) در مورد حقوق زن بر شوهر سؤال کرد، حضرت در پاسخ فرمودند: «او را از برهنگی بپوشاند و از گرسنگی سیر نماید و هرگاه خطایی کرد، او را ببخشد». پیامبر اکرم (ص) می فرمایند: «هرچه ایمان انسان کامل تر باشد، به همسرش بیشتر اظهار محبت می کند». پیامبر (ص) در بیانی فرمودند: «بر مرد واجب است که غذا و لباس همسرش را تأمین کند و با صورت و قیافه بد بر او ظاهر نشود، اگر چنین کند حقش را ادا کرده است» (۱۴). پیامبر اکرم (ص) می فرمایند: «مرد به سرپرستی خانواده گمارده شده است و هر سرپرستی نسبت به زیردستانش مسئولیت دارد» (۱۵).

۳.۳. ارث

از جمله حقوق متقابلی که در اثر ازدواج دائم برای هر یک از زوجین ایجاد می شود، حق ارث است. و در صورت فوت هر یک از زوجین، پس از عقد، دیگری جزء ورثه او محسوب می شود. دنیای قدیم یا به زن اصلاً ارث نمی داد و یا ارث می داد ولی با او مانند صغیر رفتار می کرد. احتمالاً در بعضی از کشورها یا قبیله ها به دختر ارث می دادند ولی به فرزندان او ارث نمی دادند. ولی پسر هم خودش و هم فرزندان او می توانستند ارث ببرند. (۱۶). زوجه از اموال منقول از هر قبیل که باشد ارث می برد. و از زمین، خانه، باغ و زراعت و زمینهای دیگر ارث نمی برد. نه از خود زمین و نه از قیمت آن و نیز از خود هوایی مانند درخت و بنا و خانه ارث نمی برد. ولی از قیمت آن ها ارث می برد. در ماده ۹۴۷ قانون مدنی آمده است: «زوجه از قیمت ابنیه و اشجار ارث می برد. و نه از عین آن ها» (۱۷). ممکن است این سوال مطرح شود که چرا زن فقط از منقولات ارث می برد و یا از هوایی قیمت آن ها را؟ که امام رضا (علیه السلام) علت حکم را بیان می کند. وَ عَلَهُ الْمَرْأَةُ أَنَّمَا لَا تَرِثُ مِنَ الْعَقَارِ شَيْئاً إِلَّا قِيمَةَ الطُّوبَى وَ النَّقْضِ لِأَنَّ الْعَقَارَ لَا يُمَكِّنُ تَغْيِيرَهُ وَ قَلْبُهُ وَ الْمَرْأَةُ يَجُوزُ أَنْ يَنْقَطِعَ مَا بَيْنَهُمَا وَ بَيْنَهُ مِنَ الْعِصْمَةِ وَ يَجُوزُ تَغْيِيرُهَا وَ تَبْدِيلُهَا وَ لَيْسَ الْوَالِدُ كَذَلِكَ، لِأَنَّهُ لَا يُمَكِّنُ التَّفَصِّيَ مِنْهُمَا، وَ الْمَرْأَةُ يُمَكِّنُ الْأَسْتِبْدَالَ بِهَا، فَمَا يَجُوزُ أَنْ يَجِيَءَ وَ يَذْهَبَ كَانَ مِيرَاثُهُ فِيمَا يَجُوزُ تَبْدِيلُهُ وَ تَغْيِيرُهُ إِذَا أَشْبَهَهُ، وَ كَانَ الثَّابِتُ الْمُقِيمُ عَلَى حَالِهِ كَمَنْ كَانَ مِثْلَهُ فِي الثَّبَاتِ وَ الْقِيَامِ. امام رضا (علیه السلام) در پاسخ محمدبن سنان از علل احکام نوشت: و علت اینکه زنان از املاک مردانشان ارث نمی برند مگر قیمت ساختمان آنها برای این است که، ساختمان را نمی شود تقسیم کرد و نمی توان آن را از جایی به جای دیگر برد، و زن ممکن است اگر از شوهر اولش رهایی پیدا کرد، به دیگری شوهر کند، پس تغییر و تبدیل زوجه ممکن است ولی میان فرزند و پدر چنین نیست زیرا ممکن نیست نسبتشان به یکدیگر قطع شود، در حالیکه زن را ممکن است به جای او دیگری را آورد، پس آنکه تبدیلیش ممکن است و آمد و رفت او جایز است میراثش در آن چیز است که بتوان آورد و برد و آنکه ثابت و مقیم است و حالش تغییر نمی کند میراثش هم چیز است که جدائی پذیر نیست. و بر جای خود باقی است.. (۱۸).

۴- نتیجه گیری

از مجموع مباحث گفته شده، نتایج زیر به دست می آید:

- ۴,۱. می توان گفت که وضعیت زن در عرصه های خانوادگی، اجتماعی، اقتصادی و سیاسی در عصر جاهلی نابسامان، ظالمانه و تاریک بود و یکی از تحولات اساسی اسلام را باید در اصلاح جایگاه و موقعیت انسانی و اجتماعی زنان دانست.
- ۴,۲. بدون تردید، ارزش و منزلت زن در اسلام را باید از آیات صریح قرآن کریم و دیگر منابع اسلامی به دست آورد. در قرآن کریم هیچ برتری به جنسیت داده نشده است، بلکه خداوند متعال عامل برتری را فقط تقوا ذکر کرده است.
- ۴,۳. در مورد حقوق اجتماعی زن در اسلام باید گفت که اسلام در حقوق اجتماعی مانند حق انتخاب همسر، شهادت و... مصلحت زن را در نظر گرفته است و اگر محدودیت هایی در این زمینه قائل شده، صرفاً برای این است که زن دچار کمترین خسارت در عرصه مسائل اجتماعی نشود؛ مانند مسئله شهادت، به خاطر اینکه زنان کمتر به جامعه کشیده شوند، اسلام تعیین کرده است که زنان در مورد حق الناس در محکمه حاضر شوند و شهادت دهند.
- ۴,۴. زن مسلمان در تصمیم های بزرگ سیاسی جامعه حضور فعال دارد، برخلاف عصر جاهلیت که از حضور زنان در مسائل سیاسی برای وسوسه دشمن استفاده می کردند و با آوردن زنان در میدان جنگ، به رزمندگان خود انگیزه می بخشیدند.
- ۴,۵. در مورد حقوق مالی زن در اسلام نیز باید گفت که زن حق تصرف کامل در اموال خود را دارد و هیچ کس نمی تواند این حق را از او سلب کند. اگر در بعضی از موارد مثل ارث، سهم کمتری به زن تعلق می گیرد، بدین خاطر است که زن وظیفه تأمین مخارج زندگی را بر عهده ندارد و مسئولیت او با مرد است. به همین دلیل، در بعضی از موارد سهم کمتری برای زن در نظر گرفته شده است.
- ۴,۶. یکی از ریشه های مهم ستم های وارده بر زنان، فرهنگ ناپسند و غیردینی جوامع است. بسیاری از جوامع، پیام صحیح دین پیرامون زن را دریافت نکرده اند. بنابراین، حتی اگر بهترین قوانین وضع شود، تا زمانی که فرهنگ و اخلاق جامعه منحط است، به میزان بسیار کمی در بهبود وضعیت توفیق خواهد داشت.

منابع و مراجع

- ۱- قرآن کریم.
- ۲- محقق داماد، م.، حقوق خانواده، مرکز نشر علوم اسلامی، تهران، ۱۳۶۵.
- ۳- نجفی، م.ح.، جواهرالکلام، دارالحیاء التراث العربی، بیروت، ۱۳۱۴.
- ۴- مروارید، ع.ا.، ینابیع الفقهیه، به نقل از شرایع الإسلام، دار التراث، ۱۴۱۰ه.ق.
- ۵- دیانی، ع.ا.، حقوق خانواده، نشر میزان، تهران، ۱۳۸۷.
- ۶- طباطبایی، م.ح.، تفسیر المیزان، دفتر انتشارات اسلامی، قم، ۱۳۷۴.
- ۷- المجلسی، م.ب.، بحار الأنوار، داراحیاء التراث العربی، بیروت، ۱۴۰۳ ه.ق.
- ۸- صفائی، ح.، امامی، ا.ا.، حقوق خانواده، چاپ هشتم، موسسه انتشارات و چاپ دانشگاه، تهران، ۱۳۸۰.
- ۹- مکارم شیرازی، ن.، برگزیده تفسیر نمونه، دارالکتب الاسلامیه، تهران، ۱۳۸۶.
- ۱۲- الحر العاملی، م.ا.، وسائل الشیعه، ج ۱۵، موسسه آل البيت(ع)، قم، ۱۴۱۵ه.ق.
- ۱۳- الحر العاملی، م.ا.، وسائل الشیعه، ج ۲، موسسه آل البيت(ع)، قم، ۱۴۱۵ه.ق.
- ۱۴- المجلسی، م.ب.، بحار الأنوار، جلد ۱۰۳، داراحیاء التراث العربی، بیروت، ۱۴۰۳ ه.ق.
- ۱۵- النوری الطبرسی، ح.، مستدرک الوسائل، ج ۲، موسسه آل البيت(ع)، قم، ۱۴۱۵ه.ق.
- ۱۶- مطهری، م.، نظام حقوق زن در اسلام، چاپ سی و هشتم، انتشارات صدرا، تهران، ۱۳۸۳.
- ۱۷- جهانگیر، م.، ارث وصیت، چاپ ششم، انتشارات: دوران، چاپ نیل، تهران، ۱۳۸۰.
- ۱۸- قمی، ا.ح.، عیون اخبار الرضا علیه السلام، ترجمه: علی اکبر غفاری، جلد ۲، چاپ اول، نشر صدوق، تهران، ۱۳۷۳.